

۵ فروردین ۱۳۹۵ - شماره: ۵۳

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

مترسک

نویسنده مقاله:

الیاس حکیمی

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



مسلمانان مسحور زرق و برق دنیا شده‌اند، بدتر از نامسلمانان! برنامه‌ی روزمره‌ی هر کدامشان را در هر کجای جهان اسلام که باشند، می‌نگری، از شدت تأسف و تأثر سکوت می‌کنی و نمی‌توانی سخنی بگویی. رسانه‌ها همه‌ی تلاش خود را در پر کردن اوقات انسان‌ها به هر نحو ممکن انجام می‌دهند. تفریحات عجیب و غریب و مظاهر شگفت تکنولوژی. هر گروهی به وسیله‌ای از قافله عقب مانده است.

عده‌ای که هنوز گرفتار جنگی نشده‌اند یا فعلاً در امان‌اند، خوب و خوش می‌زیند و راضی هستند از پیشرفت تکنولوژی و آسان شدن کارها و کوتاه شدن مسیرها و سرعت گرفتن زندگی و کشفیات جدید و اختراعات مسحور کننده. کار می‌کنند، پول در می‌آورند، بعد تعطیلاتشان را به تفریح می‌روند و ماشین می‌خرند و خانه نو می‌کنند و سفرهای خانوادگی می‌روند؛ اگر هم اهلش باشند نمازی می‌خوانند و روزه‌ای می‌گیرند و خمستان را می‌دهند و سپس آرام و راحت عمر سپری می‌کنند تا اجلشان فرا رسد!! در حالی که نیمه‌جان‌اند و آرام آرام به خواب شیرین مرگ فرو می‌روند و متوجه نیستند؛ اصلاً متوجه نیستند؛ تا آن که ناگهان مرگ به سراغشان می‌آید و در لحظه‌ای که جان نوشین دادند، بیدار می‌شوند و تنها با یک نگاه به پشت سر در می‌یابند که بازی خورده‌اند!! شیطان بازی‌شان داده و دستشان خالی است!! چه بازی هولناکی در لباس تکنولوژی!!

عده‌ای دیگر سر در گریبان خود فرو برده‌اند و از عالم و آدم بی‌خبرند. معلوم نیست در کجا سیر می‌کنند و خدایشان کیست و کتابشان چیست! حرف‌های نامربوط می‌زنند و کاری به عاقبت خویش ندارند. مثلاً می‌گویند: «سخت‌نگیر! به تعداد همه‌ی انسان‌ها راه برای رسیدن به خدا هست! خیلی نیازی نیست به خودت زحمت بدهی و کتاب خاصی (!) را مطالعه کنی»!!

در حالی که نمی‌دانند حرفشان معنای دیگری دارد و معنایش آن است که هر کس هر طور دوست دارد خدایی انتخاب می‌کند و او را نام می‌برد، اما این خدایان خیالی و موهوم مورد نظر آن‌ها هر کسی هست جز الله واحد، ربّ العالمین! من نمی‌دانم این چه خدایی است که دقیقاً همان‌طوری است که بندگانش دوست دارند و انتظار می‌برند!! انگار بندگان، خدای خویش را طبق پسند خود خلق می‌کنند!! این‌گونه است که کسی پیدا می‌شود و می‌گوید خدای من در قلب من است، مهم نیست که در عمل چه کثافتی باشیم، مهم آن است که در دل به خدا معتقد باشیم.

یا می‌گویند: «فقط خدا»!! در حالی که باز هم منظور آنان ربّ العالمین نیست. منظورشان یک خدای بی‌اراده‌ی ساکت است که کاری به کار انسان‌ها ندارد. هر کار کردی حواله کن به آن خدا و بعد بگو فقط خدا. نه قرآن می‌شناسند و نه پیامبر و نه دغدغه‌ی خاصی دارند. چه خدای خوبی است این خدایی که نامش را می‌برند!!! این خدای بی‌اثری که هیچ کاری از دستش بر نمی‌آید با بت‌ها برابر است.

آن خدای حکیم و علیم و قدیر با مردمان سخن گفته و به حساب هر کسی و هر چیزی رسیده و تکلیف همه چیز را روشن کرده است. قدر و اندازه‌ی هر چیزی را مشخص فرموده و سنت‌های لایتنجیر خویش را بر پا داشته است. حق و باطل را نشان داده و برای آن ضمانت اجرایی گذاشته است. در کتاب خویش و بر زبان پیامبرش راه خوشبختی را از راه بدبختی مشخص فرموده است. شریعتی که او نازل کرده، مانند روز روشن است و پوشیدگی یا ابهامی ندارد. اما با این حال، عده‌ای صدها سال است که گرفتار اختلافات شدید مذهبی هستند. می‌خواهند خون یکدیگر را بریزند و می‌ریزند. حاضرند جان بدهند، ولی برای خدا دست برادری به مسلمانی از مذهب دیگر ندهند. جان می‌دهند، اما دست از تعصبات خویش بر نمی‌دارند. با تأکید فراوان می‌گویند در فلان کتاب آمده که فلانی ملعون است. کسان دیگری می‌آیند و خود این‌ها را ملعون می‌دانند!! همین‌طور سال‌ها بر سر یکدیگر می‌زنند و التهاب و آشوب می‌آفرینند و گمان هم می‌کنند کار درستی انجام می‌دهند. گواهی هم این است که

برای این کارشان قصد قربت می‌کنند و فی سبیل الله به یکدیگر حمله می‌کنند.

باشد؛ یکدیگر را لعن و تکفیر کنید تا زودتر توسط گرگ‌های کافر و مشرک خورده شوید! هزار سال دیگر هم به جان هم بیفتید تا اسلام را این‌گونه یاری کنید و خود را خوشبخت گردانید!!

عده‌ای دیگر هنوز اندر خم کوچه‌های تاریک‌تری هستند و فریاد می‌زنند: این خراسانی کیست که تقلید را رد کرده است؟! اصلاً چه کسی می‌تواند تقلید را رد کند؟! اصلاً مگر چنین چیزی رد شدنی است؟! هیهات!! هیهات!! یعنی ما در احکام خود توقف کنیم؟! هرگز!!

آخر سیه‌روzan! چرا تعقل نمی‌کنید؟! چه کسی شما را به تقلید کورکورانه امر کرده است جز خودتان؟! این کدام دین است که برگزیده‌اید؟! اسلام است یا چیز دیگر؟! اگر می‌پندارید مسلمانید باید بدانید که اسلام دین تحقیق و بررسی است و نظر هیچ کسی را بدون دلیل قابل قبول نمی‌داند. تقلید یعنی قبول نظر یک آخوند بدون دلیل و چنین چیزی نه در اسلام اصلی دارد و نه در عقل! پس باید حرف حساب را از علامه خراسانی بپذیرید و در دیدگاه‌تان نسبت به اسلام تغییری بدهید.

متأسفانه عده‌ای از همه جا بی‌خبر که تظاهر به دلسوزی و خیرخواهی برای مسلمین می‌کنند، درباره‌ی عالم وارسته، آزاده و بی‌ادعایی مانند علامه منصور هاشمی خراسانی صاحب کتاب گرانسنگ «بازگشت به اسلام» این‌طور موعظه می‌کنند که در طول تاریخ مدعیان بسیاری بوده‌اند [تا آنجا که:] فریب مدعیان را نخورید و دینتان را محکم بچسبید و دعا کنید مهدی ظهور کند و همه چیز روشن شود (!)... هر کسی می‌تواند از قرآن یک برداشتی داشته باشد و از آن دلیل بیاورد (!! پس به استدلالات قرآنی کسی اعتماد نکنید!!!

و این بندگان دلسوز (!) به این مسأله توجه ندارند -چون بررسی نکرده‌اند- که کدام یک از آن مدعیان که از آن‌ها نام می‌برید، در سخنانش به بیش از ۲۰ آیه استناد کرده است؟! تو بگو به بیش از ۱۰ آیه! کدام یک از آنان چنین پیام عظیمی را با قرآن به مسلمانان جهان داده است؟! کدام یک از آنان جرأت داشته است با قرآن جلو بیاید؟! علتش آن است که یا قرآن را هیچ نمی‌فهمیده یا آن قدر را می‌فهمیده که بفهمد آیاتش علیه اوست!

وانگهی به من بگو ای دلسوز مسلمین! این چه قرآنی است که به قول تو، هر مدعی

بازگشت به اسلامی می‌تواند یک کتاب را بر پایه‌ی آن بنویسد و صدها حجت و استدلال را مبتنی بر آیات آن به مسلمانان ارزانی دارد؟! اگر قرآنی که از آن نام می‌بری چنین قرآنی است، پس باید مانند کتاب «بازگشت به اسلام» ده‌ها کتاب در دست ما باشد، در حالی که نیست! از این گذشته، چرا سفسطه می‌کنی و مردم را فریب می‌دهی؟! اگر راست می‌گویی دست از کلی‌گویی بردار و بگو کدام یک از استدلال‌های این کتاب شریف به آیات قرآن، صحیح نیست؟! کدام یک از آن‌ها بر خلاف احکام عقل یا روایات متواتر است؟! به علاوه، بگو کدام یک از آن مدعیان کذاب ملعون، منادی «بازگشت به اسلام» بوده‌اند؟! آن‌ها هر چیزی گفته‌اند جز اسلام؛ چرا که یا اصلاً مسلمان نبوده‌اند، یا بوده‌اند و اسلام را نمی‌شناخته‌اند یا آن قدر می‌شناخته‌اند که بدانند اسلام اجازه‌ی چنین ادعای گزاف و بی‌دلیلی را به آنان نداده است!

عده‌ی کثیری هم که اصلاً کارشان به این حرف‌ها نمی‌رسد. اسلام آن‌ها اسلام رقص و آواز و طرب و غناست، به علاوه‌ی نماز اول وقت و سر وقت!! یا اسلام تجارت‌ها و درآمدهای حرام و پر سود و نماز اول وقت و سر وقت!! و یا اسلام خوردن و خوابیدن و خشم و شهوت، به علاوه‌ی نماز اول وقت و سر وقت!! مسلمین هنوز دل نبریده‌اند از این چاه فاضلابی که نامش را زندگی گذاشته‌اند و خوب و خوش در آن نفس می‌کشند و حکام ظالم، فاسد، جاهل، فاسق و گاه کافر و مشرک خویش را پیروی می‌کنند.

حقیقت این است که ما مسلمین، هزار هزار تن هستیم و یک تن هم نیستیم. به هیچ درد اسلام نخوردیم. به داد و درد خودمان نرسیدیم چه رسد به اسلام! سیاهی لشکریم، سپاهیانی دست و پا و گردن شکسته! «مترسک» زیباترین نامی است که می‌توانیم بر روی خودمان بگذاریم...!

برای چنین مسلمانانی آری، آری، «ممکن است هزار سال دیگر هم بگذرد و صاحب عصر تشریف نیاورند»!! و برای چنین مسلمانانی باید حکامی نه با اذن خداوند که با اذن مردم!! حکمرانی کنند و دین و دنیا و آخرت آنان را به فساد و تباهی کشند. آری، برای چنین مسلمانانی باید چنین استدلال مزخرفی کرد تا بر گردن آنان سوار شد: خداوند صلاح دانسته است که غیبتی برای خلیفه‌اش پدید آورد که در آن احکام اسلام بر زمین بماند و «ما» صلاح می‌دانیم که این چنین نباشد! لذا حکومت و حکومت‌هایی تشکیل می‌دهیم تا دین خدا بر زمین نماند! خداوند صلاح دانسته است که حاکمی از سوی خویش بر ما نگمارد تا احکامش

را اجرا کنیم؛ لاجرم ما خودمان حاکمی انتخاب می‌کنیم که احکام خداوند را اجرا کنیم!!! این طور ما کوتاهی خداوند را جبران می‌کنیم و صلاح کار را به او می‌آموزیم و تبعاً او بده کار ما هم می‌شود!!!

این است خدایی که ما مسلمین می‌پرستیم!! خدایی که نمی‌داند صلاح مسلمین چیست و در کجاست!!

گوارایمان باد پرستش این خدا و دینداری با این اسلام و پیروی از این حکام دلسوز در سرتاسر جهان اسلام!!

جای تعارف نیست. بدون شک ما لایق همین تاریکی هستیم که به آن خو کرده‌ایم و لیاقت آفتابی مثل منصور هاشمی خراسانی را نداریم!! برای ما دسته‌ی کوران روز و شب برابر است!!

